«زنده‌یاد آیت‌الله العظمی محمداسحاق فیاض و ارتقای شیوه پژوهش در حوزه قم»
در گفت‌وشنود با دکتر محسن مسچی

همین یک کار ارزنده رهبری برای برکات جمهوری اسلامی کافی است

■ سیدحسین کشفی*

در روزهایی که بر ما گذشت، زنده‌یاد آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد اسحاق فیاض از مراجع نامدار حوزه علمیه نجف، روی از جهان برگرفت و رهسپار ابدیت شد. گفت‌وشنود پی آمده در باب نگاه آن بزرگ به ارتقای شیوه پژوهش در حوزه قم و با دکتر محسن مسچی، معاون سابق مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی انجام شده است. منقولات این مصاحبه نشان از قدرشناسی آن مرجع فقید از این حرکت و پایه‌گذار آن یعنی حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی دارد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

در آغاز این گفت‌وشنود، لطفاً درباره پیشینه و علل تأسیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در حوزه علمیه قم، توضیحاتی ارائه کنید؟

از برکات انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، توجه به فناوری‌های نوین و قدم نهادن به این میدان بزرگ است. خوشبختانه، جمهوری اسلامی ایران پیشرفت‌های بسیار عظیم و ارزشمندی را در حوزه‌های مختلف علوم و تکنولوژی‌های جدید مانند نانو، فناوری هسته‌ای، هوش مصنوعی، ماهواره، علوم پزشکی و درمانی، صنایع نظامی و موشکی و بسیاری از عرصه‌های دیگر داشته است. به اعتقاد حقیر یکی از اصلی‌ترین پایه‌های این موضوع، سردمداری و راهبری تأسیس این جریانات علمی در کشور بوده که عمدتاً در دوران رهبری حضرت امام خامنه‌ای (رض) صورت گرفت. همه ما می‌دانیم؛ پیشرفت‌های ایران در حوزه‌های گوناگون علوم و تکنولوژی‌های جدید از مسائلی است که رهبر شهید ما همواره بر آن تکیه داشته‌اند و انصافاً دوران نوین علمی کشور با رهبری ایشان رقم خورد. در دوران حدوداً چهارده‌ رهبری آن بزرگوار، ایران حقیقتاً به دروازه‌های بزرگ علمی و تمدنی رسیده است. از جمله این اقدامات، تأسیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در شهر مقدس قم است که در سال ۱۳۶۸ ازسوی معظم‌له و با کمک‌ها و هدایت‌های ایشان انجام شد و الان تبدیل به درخت تناوری از دانش، علم و موضوعات تکنیکال شده که به جامعه علمی سراسر جهان، خصوصاً حوزه‌های شیعی و روحانیت جهان اسلام و همچنین دانشگاهیان عزیز خدمت‌رسانی می‌کند.

تأسیس این مرکز چه تحولی در نحوه تحقیقات علمی حوزویان ایجاد کرد؟

در شرایطی که حوزه علمیه قم چندان آشنایی و سروکاری با شیوه‌های نوین پژوهشی نداشت و همه، تحقیقات علمی خود را با استفاده از روش‌های سنتی از قبیل: خرید فیزیکال کتاب‌ها، تورق و مراجعه به کتابخانه‌ها سامان می‌دادند، مشکلات بسیاری به وجود می‌آمد. چه بسا برای یافتن یک کتاب، باید به کتابخانه‌های مختلف مراجعه می‌کردند. گاهی برای مطالعه یک اثر، مجبور به حضور و استقرار در یک کتابخانه یا مکانی خاص بودند. برای این رفت‌وآمدها، زمان و هزینه‌های فراوان صرف می‌شد. این روش‌ها قدیمی و سنتی بودند اما با تأسیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی که رهبر شهید هدف از آن را خدمات‌رسانی علمی به جامعه علمی کشور، خصوصاً حوزه‌های علمیه تعریف کردند انصافاً در توسعه و اتقان تحقیقات علمی و نیز تولید دانش‌ها و متون علمی جدید بر پایه تحقیقات گسترده و با تکیه بر فناوری‌های جدید و خصوصاً هوش مصنوعی، تحولی بزرگ ایجاد و باعث شد در دنیای اسلام و بلکه در دنیای علم، یک رنسانس و جهش گسترده شکل بگیرد.

از سال تأسیس این مرکز - که کار خود را با نرم‌افزارهای اولیه، قفل‌های دانگلی و دیسکت‌ها آغاز کرد- تا امروز که این اطلاعات روی شبکه‌های سراسری، هاردها و دیتاسنترهای بسیار قوی قرار گرفته، فاصله بسیار عظیمی طی شده است. تولید صدها و بلکه هزاران نرم‌افزار در موضوعات مختلف علمی و حتی ایجاد پایگاه‌های بزرگ فناوری و دانش‌های حوزوی از طرف مرکز تحقیقات در فضای مجازی، واقعاً از شاهکارهایی است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار کند. امروزه نقش نرم‌افزارها و دیتاهای تولیدشده مرکز تحقیقات در عمق بخشیدن به پژوهش‌های حوزوی، بسترسازی برای تألیفات مفصل در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی و کمک به سرعت ارائه دروس و مباحثی که در حوزه‌ها و حتی مجامع دانشگاهی ارائه می‌شود، بی‌بدیل است. ما در این حوزه، انصافاً شاهد یک تحول عظیم علمی هستیم که از برکات وجود رهبر شهید به‌عنوان مؤسس این جریان بزرگ علمی بوده‌است؛ جریانی که متأسفانه تاکنون به صورت کامل و جامع به آن پرداخته نشده و حتی شاید مورد غفلت نیز قرار گرفته است.

از بسترهای معرفی این دستاورد پژوهشی حوزه علمیه قم به حوزه علمیه نجف و مراجع آن بگویید؟

به هر روی در آن دوره - که حدوداً ۲۰ سال قبل بود- ما به این نتیجه رسیدیم که باید این ره آورد بزرگ را به کشور عراق، حوزه علمیه کهنسال نجف اشرف و مراجع آن معرفی کنیم. این کاری بود که در دوران حکومت رژیم بعث، بسیار سخت و غیر قابل انجام می‌نمود؛ چون تمام حرکات تحت رصد استخبارات عراق قرار داشت. اما پس از سقوط صدام در سال ۸۲ و باوجود سه سال اشغال این کشور ازسوی نیروهای امریکایی و هم پیمانان آنان، شرایط مساعدی برای اطلاع‌رسانی ما ایجاد شد و شاید ما نخستین هیئتی بودیم که از حوزه علمیه قم و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی به کشور عراق رفتیم و هدفمان این بود که بتوانیم دستاوردهای سازمان خود را به حوزه علمیه نجف و دانشگاه‌های عراق ارائه کنیم. در این سفر و با توجه به اهمیت کشور عراق، بنده به‌عنوان رئیس هیئت و معاون مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی به همراه مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علیرضا رحیمی ثابت (رض) ـ که الان چند سالی است به رحمت خدا رفته‌اند ـ عازم عراق شدیم.

این سفر در بیست و پنجم آبان ماه ۱۳۸۵، تقریباً یک ماه قبل از اعدام صدام حسین و در شرایطی انجام شد که حکومت عراق در دست نیروهای اشغالگر امریکایی قرار داشت و اوضاع این کشور، هم از جنبه امنیتی و هم از جهت سیاسی بسیار نابسامان بود؛ ولی در عین حال، فضا برای اینگونه فعالیت‌ها مساعد می‌نمود. به ضرس‌قاطع می‌توان گفت این سفر، نقطه آغاز آشنایی حوزه علمیه نجف با نرم‌افزارهای علوم اسلامی و فعالیت‌هایی بود که در حوزه قم از جهت تکنیکال و فنی در این خصوص صورت گرفته است. پس از آن، سفرهای مکرر دیگری انجام شد، ولی این اولین سفر ما به عراق بود. طبیعتاً با توجه به این مسئله، ما بعد از نمایشگاه چند روزه‌ای که برای معرفی محصولات جمهوری‌اسلامی در این حوزه در شهر بصره داشتیم، عازم نجف اشرف شدیم. در این شهر نیز با تمام مراجع و بزرگان حوزه نجف اشرف دیدار و گفت‌وگو داشتیم. البته در آن برهه، آیت‌الله العظمی سیستانی به لحاظ امنیتی در شرایط مناسبی نبودند؛ لذا برگزاری جلسه با ایشان بسیار سخت بود، ولی با دیگر اعزه و بزرگان از جمله آیت‌الله العظمی سید محمدسعید حکیم، آیت‌الله العظمی شیخ محمداسحاق فیاض، آیت‌الله مروارید، آیت‌الله کاشف‌الغطاء، آیت‌الله سید علی سبزواری، آیت‌الله انصاری اراکی، آیت‌الله سید مرتضی قزوینی، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله نجف، آیت‌الله آل یاسین، آیت‌الله محمدباقر ایروانی و بسیاری دیگر از اعلام، جلسات بسیار مفید و سودمندی داشتیم. البته از سوی دیگر، انجام این جلسات دشواری هایی نیز داشت؛ چون طبیعتاً شروع اینگونه فعالیت‌ها بود و این عزیزان با موضوع نرم‌افزار، فضای مجازی و چگونگی استفاده از کتاب‌ها در کامپیوتر یا لپ‌تاپ یا به صورت سی‌دی و هارد و... آشنایی چندانی نداشتند و به همین دلیل، ایجاد این آشنایی و تبیین ضرورت کار از ما وقت زیادی می‌گرفت.

در دیدار شما با مرجع فقید زنده یاد آیت الله العظمی شیخ محمداسحاق فیاض چه گذشت؟

یکی از شخصیت‌هایی که از محضرشان وقت گرفتیم تا به حضورشان برسیم و کارها را خدمت‌شان معرفی کنیم، آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمداسحاق فیاض بود. در ابتدای امر، ایشان یک ربع به ما وقت ملاقات دادند. مرحوم رحیمی ثابت به من گفت: ما تا بخواهیم به محضر ایشان برویم، سلام و علیک و احوال‌پرسی و لپ‌تاپ را برای توضیح باز کنیم، یک ربع می‌شود و این چندان مفید نیست؛ آخر ما برای یک ربع این همه راه آمده‌ایم؟ به ایشان گفتم مرحوم فلسفی واعظ شهیر، همیشه این را می‌گفت منبری خوب کسی است که بتواند در عرض پنج‌دقیقه مطالبش را بگوید، خطبه و روضه‌اش را بخواند و بعد هم به پایین بیاید؛ حالا هم ربع ساعت وقت داریم و اگر به صورت خلاصه و فشرده عمل کنیم، می‌توانیم این کار را انجام بدهیم؛ منتها باید قبل از ملاقات با آیت‌الله فیاض تمهیداتی داشته باشیم که بتوانیم وقت‌مان را مدیریت کنیم.

طبق وقتی که گرفته بودیم، در روز یکم آذر سال ۱۳۸۵، ساعت ۸صبح بود که در دفتر آیت الله فیاض خدمت‌شان رسیدیم. مسئول دفتر ایشان شخصی به نام آقای مدنی از نوادگان سید علی‌خان مدنی، صاحب حاشیه بر صحیفه بود. در ابتدای امر، ما سلام و علیک مختصری کردیم و فوراً وارد بحث شدیم. از شب قبل هم، کامپیوتر را شارژ کرده بودیم. همچنین قبل از ملاقات از دوستان طلبه نجف پرس‌وجو نموده بودیم که ایشان اکنون در درس فقه خویش چه موضوعی را مورد بررسی قرار می‌دهند؟ دوستان گفته بودند، ایشان بحث خمس را دارند. لذا ما روی کتاب‌های فقهی خمس مروری کردیم که ارائه ما در محضرشان مفیدتر باشد. در همان ابتدای ملاقات، وارد گفت‌وگو شدیم و من از آیت‌الله العظمی فیاض پرسیدم شما الان در درس خود، چه موضوعی را مطرح می‌فرمایید؟ گفتند ما درس خارجی داریم راجع به خمس. عرض کردم خب، چند تا از شروح را راجع به این بحث می‌بینید؟ ایشان فرمودند پنج، شش تا از شروح، برخی‌شان را هم اسم بردند. گفتم ما در این نرم‌افزاری که در ارتباط با مباحث فقهی تولید کرده‌ایم، چیزی حدود صد شرح را بر کتاب خمس گردآوری کرده‌ایم! ایشان خیلی تعجب کردند و از حالت تکیه دادن خارج شدند و کمی به جلو آمدند و پرسیدند چی؟ صد تا شرح؟. دو، سه مورد از شروح را برای ایشان ذکر کردیم و آنها را هم دیدند. پرسیدند اینها چیست؟ گفتیم کتاب است، بعد برایشان توضیح دادیم که اصلاً کتاب الکترونیک چیست و چگونه تولید می‌شود. در عین اینکه داشتیم راجع به ابتداییات موضوع صحبت می‌کردیم، موضع‌مان این بود که از همان ابتدا وارد بحث اصلی شویم و به حواشی نپردازیم؛ لذا نه راجع به مرکز تحقیقات، نه راجع به مؤسس آن، نه راجع به کارهایی که شده، هیچ سخنی نگفتیم؛ فقط راجع به موضوع فقه و آن طیف از مباحثی که ایشان در درس خارج‌شان داشتند، وارد گفت‌وگو شدیم تا زودتر به نتیجه برسیم و سپس اگر فرصتی ماند، به مسائل دیگر ورود کنیم. این هم مهندسی‌ای بود که ما شب قبل نسبت به این وقت محدود انجام دادیم.

سیر جلسه با ایشان چگونه پیش رفت و چه مسائلی در آن مطرح شد؟

ایشان چند سؤال مطرح کردند. مثلاً نام کتاب‌ها را پرسیدند، درباره صد شرح موجود پرسیدند مثلاً کدام کتاب‌ها؟ اقدمش کدام است؟ متأخرش کدام است؟ اتقانش چیست؟ از کدام چاپ‌ها استفاده می‌کنید؟ و... ما مشغول همین مباحث بودیم که آقای مدنی وارد اتاق شد و گفت وقت تمام است. اما آیت‌الله فیاض بدون اینکه به آقای مدنی نگاه کنند، با دست‌شان اشاره کردند که شما برو بیرون! یک ربع وقت ما، تبدیل به نیم ساعت شد. دوباره آقای مدنی آمد. آقای فیاض باز هم با دست اشاره کردند که بروید بیرون. ما همچنان داشتیم راجع به مباحث کاری توضیح می‌دادیم که مثلاً این نرم‌افزار چند کتاب فقهی را در خود دارد، چطور آنها را تایپ کرده‌ایم، چطور تصحیح کرده‌ایم، گروه تایپیست ما چه گروهی است و محققان ما چه کسانی هستند، کتاب‌ها را بر چه اساسی انتخاب می‌کنیم و موضوعات دیگر. جلسه به حدود یک ساعت رسید و دوباره آقای مدنی آمد. آقای فیاض هم با تکان دادن دست‌شان، به ایشان اشاره کردند بروید بیرون و بگذارید ما به مباحث‌مان برسیم. این یک ساعت تبدیل به دو ساعت شد! ساعت ۱۰صبح شد و آقای مدنی باز هم آمد؛ آقای فیاض هم دوباره با اشاره دست گفتند بروید بیرون! در اینجا آقای مدنی خدمت ایشان عرض کرد آقا! عده‌ای از فلان منطقه آمده‌اند. ایشان فرمودند بعداً. ساعت ۱۱، دوباره آقای مدنی وارد شد و عرض کرد آقا! رئیس دانشگاه کوفه از قبل، برای ساعت ۱۱وقت گرفته بودند. آیت‌الله فیاض برگشتند و به صورت آقای مدنی نگاه کردند و با جدیت گفتند آقا، مگر نمی‌بینید ما اینجا کار داریم؟ این آقایان از ایران و قم، این همه زحمت را تحمل کرده‌اند، آمده‌اند اینجا برای اینکه ما را با بعضی از مباحث آشنا کنند و برای من هم مهم است بدانم در آنجا چه می‌گذرد. آقای مدنی گفت آقا، خب این آقا قبلاً وقت گرفته بود. آیت‌الله فیاض باز با همان جدیت و سرعت گفتند باشد آقا، می‌بینی که کار دارم، بگذارید برای وقت دیگر، الان فرصتش را ندارم، من باید ببینم که اینها چیست. آقای مدنی با ناراحتی از اتاق بیرون رفت تا به آنها اطلاع بدهد؛ امروز ملاقاتی انجام نمی‌شود. ما هم گفت‌وگوی خود را ادامه دادیم. ادامه سخن، همچنان درباره کتب فقهی بود و دوره‌هایی که استفاده کرده‌ایم. توضیح دادیم نرم‌افزار، مشتمل بر چند جلد کتاب است و اینکه چطور می‌شود متن را به شرح متصل کرد و هوش مصنوعی چه کار کرده و براساس چه تکنیکی انتخاب می‌کند و اینکه آیا اساساً این هوش مصنوعی است، یا کسی بر این فرایند مسلط است و غیره. داشتیم این مباحث را توضیح می‌دادیم تا اینکه اذان ظهر شد. با صدای اذان، آیت‌الله العظمی فیاض که در ابتدای ورود ما به مخده تکیه داده و نسبتاً سنگین و سرد برخورد می‌کردند؛ بعد از گذشت چهارساعت به دل لپ‌تاپ آمده و خودشان را به صفحه مانیتور آن خیلی نزدیک کرده بودند و صفحات را به دقت می‌دیدند و بررسی و سؤال می‌کردند؛ دوباره به مخده تکیه دادند و آه عمیقی کشیدند و فرمودند آقا، امروز کیف من کامل نشد! من خلاف نمی‌گویم، فردا اولاً به خاطر خودم، ثانیاً به خاطر شما که از راه دور آمده‌اید تا ما را با این مطالب آشنا کنید، دوباره تشریف بیاورید. من هیچ موقع ساعت ۷صبح به دفتر نمی‌آیم اما فردا در این ساعت به دفتر خواهم آمد؛ شما هم بیایید تا ادامه بدهیم، منتها من باید بگویم که پسرم نیز در این جلسه حضور پیدا کند، چون ایشان با کامپیوتر و مسائل جدید آشنایی دارد و درس آن را خوانده است. جلسه‌مان هم دیگر در اینجا نیست به کتابخانه می‌رویم؛ در آنجا کتاب‌ها در دسترس است و می‌توانیم مباحث‌مان را بهتر پیگیری کنیم. من فردا ۷صبح، منتظر شما هستم!... . ما هم یک خداحافظی اجمالی کردیم، لپ‌تاپ را بستیم و سرمان را پایین انداختیم و خواستیم از در اتاق ایشان خارج شویم که دیدیم‌ای وای! پشت در این اتاق و روی نیمکت‌ها، افراد بسیار زیادی نشسته‌اند و از جاهای مختلف عراق، عشایر، شخصیت‌ها و حتی وزیر و رئیس دانشگاه آمده‌اند تا ایشان را ببینند. در آن برهه و با توجه به شرایط حساسی که کشور عراق داشت، علما و مراجع در معرض تهدید بودند؛ لذا معمولاً به افراد بیشتر از پنج الی ۱۰ دقیقه وقت نمی‌دادند. حالا در چنین شرایط حساسی، یک هیئت دو نفره از ایران آمده که چهار ساعت وقت آیت‌الله فیاض را برای یک نرم‌افزار فقهی گرفته است! طبیعتاً این موضوع به افراد منتظر گران می‌آمد. لذا از اتاق که بیرون آمدیم، نگاه‌های بسیار تندی به ما می‌شد. همه آن افراد، معطلی و عدم ملاقات‌شان با آیت‌الله را از چشم ما می‌دیدند و به همین خاطر، ما را غضب‌آلود می‌نگریستند. خصوصاً آقای مدنی که مدیر دفتر بود، به‌شدت از دست ما ناراحت به نظر می‌رسید. ما هم سرمان را پایین انداختیم، لپ‌تاپ‌مان را در دست گرفتیم و از دفتر ایشان بیرون آمدیم!

ظاهراً دومین جلسه شما با آیت الله فیاض با آمادگی بیشتری انجام شد. اینگونه نیست؟

بله. بعد از بازگشت از دفتر آیت الله فیاض، دوباره با مرحوم رحیمی ثابت برنامه‌ریزی کردیم که با توجه به اینکه ایشان می‌خواهند برنامه‌ها را خیلی مستند پیگیری کنند، برای فردا چه مباحثی را مطرح کنیم. فردای آن روز، ساعت ۷صبح در دفتر ایشان حاضر بودیم و این بار به کتابخانه رفتیم. آقای مدنی در را با چهره غضب‌آلودی باز و ما را وارد کردند، چون ناراحت بودند که ما خیلی وقت آقا را می‌گیریم؛ ولی ما باید رسالت‌مان را که اطلاع‌رسانی راجع به کارهای قم بود، انجام می‌دادیم. البته ما برای هر یک از بزرگانی که به محضرشان می‌رسیدیم، همین مطالب را با کمی شدت یا ضعف بیشتر مطرح می‌کردیم اما استقبال برخی‌شان نسبت به این مسئله بیشتر از بقیه بود و بعضی هم کاملاً سنتی برخورد می‌کردند و طبیعتاً خیلی طول می‌کشید، تا مطالب جا بیفتد.

علی‌ای‌حال، ما وارد کتابخانه ایشان شدیم؛ خودشان و آقازاده‌شان نیز تشریف داشتند. در اینجا، دیگر بحث‌ها جدی‌تر و کاربردی‌تر بود. دوباره مباحث فقهی و اصولی را یک به یک مطرح کردیم و در کنارش نحوه رجوع به قرآن، چگونگی استفاده از کتب لغت و روند اتصال به این منابع و نیر نحوه درج آنها را توضیح دادیم. توضیحاتی نیز درباره روند انتخاب کتب و اینکه تشخیص متقن‌ترین منابع و همچنین نظارت بر ارائه آنها برعهده چه کسی است و نیز اینکه مهم‌ترین مباحث فقهی مورد پرداخت در این نرم‌افزار کدامند، ارائه کردیم. این توضیحات از ساعت ۷صبح شروع شد و تقریباً تا ساعت ۱۰:۳۰ ادامه یافت. بعد از آن، شروع به توضیح راجع به سایر نرم‌افزارهایی که داشتیم؛ کردیم از جمله نرم‌افزارهایی در زمینه کلام، حدیث، رجال، درایه، منطق، فلسفه، تاریخ، ادبیات، لغت، شعر، طب اسلامی و مسائل جدید. همه اینها را یک به یک معرفی و درباره هر کدام، چند دقیقه‌ای به صورت مختصر توضیح می‌دادیم. در تمام این مراحل، لحظه به لحظه بر اعجاب ایشان افزوده می‌شد! چون ما از دیروز تا امروز، فقط راجع به نرم‌افزار جامع فقه و مجموعه چند هزار جلدی گنجانده‌شده در آن صحبت کرده بودیم. لذا ایشان وقتی عظمت این کار و اتصالش به آثار مربوط به قرآن، حدیث، لغت و... را می‌دیدند و با نحوه استفاده، امکان دسته‌بندی و کادربندی مطالب بر اساس قرون ـ که تا قرن چهاردهم به صورت دسته‌بندی‌شده در دسترس بود ـ آشنا می‌شدند به‌شدت برایشان جالب و اعجاب‌آور بود. پس از اینکه نرم‌افزار جامع فقه را به‌خوبی توضیح و امکانات آن را معرفی کردیم، گفتیم: این را ضرب کنید در تمام نرم‌افزارهایی که ما داریم! آنگاه نرم‌افزارهای بعدی را توضیح دادیم و آماری هم از تعداد کارکنان مرکز در آن دوره که چیزی حدود ۶هزار و ۷۰۰ نفر بودند و در قسمت‌های مختلف به‌عنوان تایپیست، ویراستار، برنامه‌نویس و محقق حوزوی و دانشگاهی فعالیت می‌کردند؛ ارائه کردیم.

آیت الله فیاض، درباره بانی و متولی این طرح هم از شما پرسیدند؟

بله. ایشان سؤالات گوناگونی را مطرح می‌کردند. مثلاً می‌پرسیدند این مرکز را چه کسی تأسیس کرده است؟ بودجه‌اش چگونه تأمین می‌شود؟ و غیره. در آنجا به توضیح این مطلب پرداختیم و گفتیم این مجموعه ازسوی رهبر معظم انقلاب اسلامی تأسیس شده و زیر نظر ایشان اداره می‌شود؛ درحقیقت از جمله مؤسسات وابسته به دفتر مقام معظم رهبری است. اصل کار را ایشان پایه‌گذاری کرده‌اند و حتی گسترش و بسط آن نیز با خود ایشان بوده است. در اینجا، آیت‌الله فیاض بسیار خوشحال و مشعوف شدند.

این جلسه نیز تا حول و حوش ساعت ۱۲ظهر طول کشید. هنگام اذان که شد از آیت‌الله العظمی فیاض خداحافظی کردیم و داشتیم از محضرشان مرخص می‌شدیم که دیدیم ایشان که در روز اول به مخده تکیه داده بود و قدری سنگین و شاید هم تا حدودی سرد با این موضوع برخورد کرده بودند، در روز دوم شخصاً ما را تا جلوی در خروجی دفترشان، یعنی تا کوچه همراهی و بدرقه کردند و در هنگام خداحافظی، خیلی اظهار تشکر، محبت و بزرگواری و عنوان کردند که چقدر استفاده کرده‌اند. سپس فرمودند شما در ایران و تهران که خدمت برادر عزیزم، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مشرف شدید، اولاً سلام بنده را برسانید و ثانیاً بفرمایید فلانی گفت اگر در جمهوری‌اسلامی ایران هیچ کاری نشده بود، الا تأسیس این مرکز مبارک (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی) و اگر این مرکز هیچ کاری نکرده بود، جز تولید این نرم‌افزار جامع فقه، برای برکات جمهوری اسلامی همین کفایت می‌کرد. برای اینکه ما این جمهوری اسلامی را جمهوری بابرکتی بدانیم، همین یک کار و ارزش بالای آن کفایت می‌کند. خیلی محبت کردند، دعا فرمودند و خدمت مقام معظم رهبری به‌عنوان «برادر عزیزم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» سلام رساندند. در پایان، ما هم از محضرشان تشکر و خداحافظی کردیم. البته ایشان باوجود اینکه یک فقیه سنتی در حوزه نجف بودند، ولی نوگرا بودند؛ چون کتاب فقه زنان خود را به ما دادند و گفتند این مباحث را هم ما داریم، ولی مطرح کردن آنها قدری مشکل است. با توجه به اینکه بحث فضای مجازی و استفاده از کامپیوتر مطرح شده بود، ایشان خیلی مشتاق و راغب شدند و فرمودند من حتماً به دوستان طلبه و فضلای حوزه، توصیه این نرم افزار را خواهم کرد... . این مسافرت، واقعاً سفر بسیار پرخیر و برکتی بود؛ چراکه تبدیل به دروازه ورود مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و محصولات آن به حوزه‌ها و دانشگاه‌های کشور عراق و منشأ برکاتی شد که در نمایشگاه‌ها و حضورهای بعدی ما در این کشور پیگیری شد. الحمدلله امروز نیز حوزه و کشور عراق، یکی از مجموعه‌های خوب استفاده‌کننده از این تولیدات است.

* پژوهشگر و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم

۲ آذر ۱۳۸۵. آیت‌الله العظمی شیخ محمداسحاق فیاض در دفتر خویش در نجف

دکتر محسن مسچی: «آیت‌الله فیاض پس از مشاهده محصولات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی به ما فرمودند، شما در تهران که خدمت برادر عزیزم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مشرف شدید، اولاً سلام بنده را برسانید و ثانیاً از قول من بگویید اگر در جمهوری‌اسلامی ایران هیچ کاری نشده بود الا تأسیس این مرکز مبارک و اگر این مرکز هیچ کاری نکرده بود، جز تولید این نرم‌افزار جامع فقه، برای برکات جمهوری‌اسلامی کفایت می‌کرد. برای اینکه ما این جمهوری اسلامی را جمهوری بابرکتی بدانیم، همین یک کار و ارزش بالای آن کفایت می‌کند...»

دکتر محسن مسچی: «آیت الله فیاض پرسیدند، این مرکز را چه کسی تأسیس کرده است؟ بودجه‌اش چگونه تأمین می‌شود؟ گفتیم این مجموعه ازسوی رهبر معظم انقلاب اسلامی تأسیس شده و زیر نظر ایشان اداره می‌شود؛ درحقیقت از جمله مؤسسات وابسته به دفتر رهبری است. اصل کار را ایشان پایه‌گذاری کرده‌اند و حتی گسترش و بسط آن نیز با خود ایشان بوده است. در اینجا، ایشان بسیار خوشحال و مشعوف شدند...»

۲ آذر ۱۳۸۵. دکتر محسن مسچی در کنار آیت‌الله العظمی شیخ محمداسحاق فیاض